

مدیر مسئول: یوسف قوچانی غروی

معاون ضمیمه: محمد غمخوار

دبیر ضمیمه: امیرعلی حقیقت طلب

تحریریه: لیلا حسین زاده، هلیا نصرتی، مجید غمخوار،

معصومه ملکی، سیمافراهانی و آدرینا ایرانمنش

مدیر فنی: زرناز حسینی

صفحه آرایی: وحید اخباری

جلد: سپهر سهامی فرد

ویراستار: مهدی یکه سادات

رسانه های نو: رضا آرین

تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴

JAMEJAM.NEWS

کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳

info@jamejamdaily.ir

شناسنامه

در این بخش حوادث قدیمی را دوباره بازخوانی می کنیم؛ حوادثی بسیار قدیمی که فقط برخی افراد سن و سال دار آن را به یاد دارند و بازخوانی آن با همان ادبیات، نثر و تئارش قدیمی، برای ما و نسل قدیم بسیار جذاب و یادآور خاطرات آن زمان خواهد بود. در این شماره، اخبار جنایی ای که سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ در روزنامه های کیهان و اطلاعات منتشر شده را با منبع دیده بان تاریخ مرور می کنیم؛

بنا با تیشه، هم پیاله خود را کشت

محاکمه جوان بنایی که متهم است سال گذشته با اره و تیشه، هم پیاله خود را به قتل رسانده، آغاز شد.

طبق محتویات کیفرخواست، متهم که احمد نام دارد، عصر روز بیست چهارم بهمن سال گذشته پس از فراغت از کار روزانه به میدان ۲۴ اسفند رفت و برای برطرف کردن خستگی، در یک مشروب فروشی، مشروب الکلی نوشید. احمد پس از خروج از مغازه مذکور، راهی میدان قزوین شد و در آنجا نیز ضمن برخورد با یکی از دوستان خود به نام امیر، مقداری مشروب الکلی نوشید. با جذب الکل، دو دوست احساس نشاط کردند و با یکدیگر به شوخی پرداختند. در این گیر و دار امیر، کار را به متلک پرانی و گزنده گویی کشاند و در این راه آنچنان زیاده روی کرد تا احمد به اوج عصبانیت رسید. هنگامی که آن دو از مغازه خارج شدند و به خیابان رسیدند، احمد که از زیاده روی امیر

کاملاً بی طاقت شده بود، به او پرخاش کرد و همین عکس العمل به مشاجره انجامید تا این که احمد در حین نزاع، ضربات سختی با اره، تیشه و ماله بر سر و روی امیر وارد آورد و او را مجروح ساخت. نزاع طرفین با مجروح شدن امیر پایان پذیرفت و مضروب توسط مأموران به بیمارستان منتقل گردید اما چهار روز بعد بر اثر خونریزی مغزی درگذشت. پرونده این منازعه که توسط مأموران کلانتری ۱۱ به دادسرای تهران ارسال شده بود، به بازپرسی ارجاع گردید و بازپرس با توجه به نتیجه مشاجره، احمد را با قرار بازداشت به زندان فرستاد. پرونده متهم پس از بررسی های لازم با صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست از سوی بازپرس و دادستان به شعبه پنجم دادگاه عالی جنایی فرستاده شد و دادگاه مذکور، محاکمه او را آغاز کرد.

روزنامه اطلاعات / بهمن ۱۳۵۰

نامادری ام را؛ همدستم توی چاه انداخت

هم اندکی موفق شد ولی من او را بغل زدم و به حیاط بردم، دستم دور گلویش بود که یواش یواش دیگر بی جان شده بود، حتی از دهانش خون می آمد و از گلویش صدای «خرخر» شنیده می شد. وقتی به لب چاه بردمش، مرتضی که سارق سابقه داری است، مرا به کناری کشاند و گفت نباید بگذاریم زنده بماند؛ چون هر دوی ما را لو می دهد. این بود که مرا تهدید کرد به گوشه ای بروم، آن وقت نامادری ام را بغل کرد و با سر داخل چاه انداخت. رئیس دادگاه، سوالات دیگری از کامران کرد و او در جواب به این سوالات تنها به ذکر این جمله اکتفا می کرد: من نامادری ام را دوست داشتم، دختر او حتی به من پول و لباس می داد. باور کنید آن روز در حال طبیعی نبودم و فقط برای سرقت اموالش رفته بودم. مرتضی بود که کار آخر را کرد و او را به داخل چاه انداخت، در حالی که قبل از آن، نامادری ام هنوز زنده بود. در این حال رئیس دادگاه راجع به قبض لباسشویی که در جیب پیراهن کامران پیدا شده بود و شلواری که او در روز جنایت بها داشت، سوالاتی از وی کرد و از اینجا بود که تناقض گویی های وی شروع شد. با پایان سوال و جواب از کامران، وکیل مدافع وی شروع به صحبت کرد و آن گاه دنباله دادرسی به روز بعد موکول شد.

روزنامه اطلاعات / بهمن ۱۳۵۰

متهم جنایت دزاشیب شمیران که برای ربودن طلا و جواهرات نامادری اش، او را آبان سال گذشته خفه کرده بود، صحنه جنایت را در دادگاه تشریح کرد. وی در عین حال سعی داشت گناه قتل نامادری خود را به گردن یکی از دوستانش - مرتضی، سارق سابقه دار - بیندازد و برای خود شریک جرم بسازد! متهم این جنایت که از صبح دیروز در شعبه یکم دادگاه عالی جنایی مرکز پای میز محاکمه رفت، در جلسه دادگاه سعی داشت خود را فقط در ربودن طلا و جواهرات نامادری اش مقصر قلمداد کند و در مورد قتل او، گناه را به گردن نکیرد.

او در جواب به سوالات رئیس دادگاه گفت: ... نه آقای رئیس، من اصلاً اشتباه کردم که در بازپرسی گفتم برای تعمیر بخاری خانه نامادری ام، به منزلش رفته بودم. من و مرتضی هر دو تصمیم گرفتیم که برای دزدی وارد خانه شویم، چون می دانستیم زن تنهایی است و در ضمن مقداری پول و جواهر در منزل دارد. وقتی وارد منزل شدیم، او از ما پذیرایی کرد ولی همین که به نیت ما پی برد، کوشش کرد از جنگ مان فرار کند. من او را بغل کردم و مرتضی به جست و جو در خانه پرداخت. در همان حال که نامادری ام در بغل من بود، دندان عاریه اش افتاد و دستم را کمی مجروح کرد. او می خواست با دندان های عاریه گازم بگیرد و فرار کند. حتی یک بار

با توجه به پرسش های ارسالی خوانندگان تیش در خصوص موضوعات حقوقی، **مریم جنت آبادی، کارشناس ارشد حقوق خصوصی** به سوالات شما پاسخ داده است. مخاطبان می توانند پرسش های حقوقی خود را با ارسال پیامک به شماره ۳۰۰۰۱۱۱۲۷ مطرح کنند و پاسخ را در همین ستون بخوانند.

«اعتراض به نظر کارشناس

مهلث اعتراض به نظر کارشناس چه مدت است و در کجا بررسی می شود؟ پرسش را به طور کلی مطرح کردید اما مهلت اعتراض به نظر کارشناس در دادگاه عمومی حقوقی یک هفته از تاریخ ابلاغ اخطاریه است. مهلت اعتراض به نظر کارشناس در مرحله اجرای احکام مدنی، سه روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه است. این اعتراض در دادگاهی که حکم به وسیله آن اجرا می شود، مورد رسیدگی قرار می گیرد و در صورت ضرورت با تجدید ارزیابی، قیمت مال معین می شود، تشخیص دادگاه در این مورد قطعی است.

«مرد دوزنه

ارثیه مرد دوزنه چطور میان همانش تقسیم می شود؟ براساس ماده ۹۴۲ قانون مدنی، یک چهارم یا یک هشتم ارث به زوجه اختصاص می گیرد. (نسبت به این مسأله که زوج و زوجه فرزند دارند یا خیر)، در صورتی که مردی دو زن دائمی داشته باشد، پس از مرگ وی اگر دارای فرزند باشد، یک هشتم میراث میان همسران او به مساوات توزیع می گردد و به هر یک یک شانزدهم تعلق می گیرد.



سیل ناشی از بارش های شدید در گیلان، خسارات سنگینی به خانه های مردم منطقه پیربازار شهرستان رشت وارد کرده است. نیروهای امدادی در زمان سیل برای رفت و آمد از قایق استفاده می کردند. بخش قابل توجهی از کوچه ها و خیابان های این شهر دچار آب گرفتگی شده بود و بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ خانواده آسیب دیدند.